

## رُزَا لُوکزامبورگ

فکر ارزشمند پیشنهاد روزی برای بزرگداشت کارگران، با هدف رسیدن به هشت ساعت کار در روز، نخستین بار در استرالیا مطرح شد. کارگران استرالیا در سال ۱۸۵۶ تصمیم گرفتند که روزی را با هدف تقلیل زمان کار به رسیدن به هشت ساعت در روز سازماندهی کنند، در این روز محل کار خود را ترک و به گردهم آیی و جشن بپردازند. تصمیم گرفته شد که روز ۲۱ آوریل چنین روزی باشد. در آغاز کارگران استرالیایی قصد اختصاص چنین روزی را فقط برای یک سال داشتند. اما همان بزرگداشت نخستین چنان تأثیر عمیقی بر توده‌های کارگر استرالیا گذاشت و پیامدهای مشوقانه و تبلیغاتی فراوانی داشت که تصمیم گرفته شد چنین بزرگداشتی در سال‌های بعد نیز تکرار شود.

به راستی چه چیزی می‌توانست مانند دست‌کشیدن داوطلبانه از کار، شجاعت بیشتر و ایمان قوی‌تری را در میان توده‌های طبقه کارگر به وجود آورد؟ چه چیزی می‌توانست به این بردگان دائمی کارخانه و کارگاه، اشتیاق بیشتری را برای همراهی و اتحاد ایجاد کند؟ به همین دلیل به‌زودی اندیشه یک روز برای بزرگداشت کارگران پذیرفته شد، از استرالیا به کشورهای دیگر رفت و سراسر کارگران دنیا را دربرگرفت. اولین کارگرانی که شیوه کارگران استرالیا را اجرا کردند کارگران ایالات متحده آمریکا بودند. در سال ۱۸۸۶ روز اول ماه مه به‌عنوان روز تعطیل کاری اعلام شد. در آن‌روز ۲۰۰ هزار کارگر دست از کار کشیده و با شرکت در تظاهرات خواستار اعلام هشت ساعت کار در هر روز شدند. پس از آن روز نیز سرکوب حکومت<sup>۱</sup> مانع از آن شد که کارگران بتوانند بار دیگر چنین مراسمی را برگزار نمایند. اما در سال ۱۸۸۸ کارگران مصمم بار دیگر اعلام کردند که در روز اول ماه مه سال بعد چنین بزرگداشتی را برگزار می‌کنند.

در خلال این مدت جنبش کارگری اروپا نیز تکامل یافته و پویاتر شده بود. این جنبش توانسته بود در کنگره بین‌المللی کارگری سال ۱۸۸۹ به نقطه اوج خود برسد. در این کنگره که ۴۰۰ نماینده کارگران را گردهم آورده بود، هشت ساعت کاری در هر روز در اولویت تصمیمات قرار گرفت. لائوین، یکی از نمایندگان سندیکای کارگری فرانسه از شهر **بوردو**، پیشنهاد کرد که برای تحقق این خواسته، روزی به‌عنوان روز تعطیل عمومی کارگران اعلام شود. در پی این پیشنهاد، نمایندگان کارگران ایالات متحده آمریکا گفتند رفقای آنان تصمیم گرفته‌اند که روز اول ماه مه را به‌عنوان چنین روزی اعلام کنند، کنگره نیز تصمیم گرفت که این روز را به‌عنوان روز تعطیل عمومی کارگری اعلام نماید.

در واقع این بار نیز، مانند ۳۰ سال پیش از آن در استرالیا، خواست کارگران عملاً مختص به یک دوره بود. تصمیم کنگره



آن بود که کارگران تمامی جهان روز اول ماه مه ۱۸۹۰ برای مطالبه هشت ساعت کار روزانه، دست از کار کشیده و تظاهرات کنند و بنا نبود که این عمل در سال‌های بعد نیز تکرار گردد. پیش‌بینی نمی‌شد که این پیشنهاد چه قدر موفق خواهد شد و بین کارگران جهان مقبولیت می‌یابد؛ اما کافی بود که بزرگداشت روز اول ماه مه یک بار در سال ۱۸۹۰ برگزار شود تا همه به این جمع‌بندی برسند که این بزرگداشت باید سالانه و همیشگی باشد.

روز اول ماه مه نخست به دلیل مطالبه هشت ساعت کار روزانه بود؛ اما کارگران پس از دستیابی به این خواسته نیز دست از بزرگداشت این روز نخواستند. تا زمانی که مبارزه کارگران علیه سرمایه‌داری و دولت‌های نماینده آن ادامه دارد، تا زمانی که خواسته‌هایی از کارگران باقی است که باید به تحقق در آیند، بزرگداشت این روز در هر سال، مطالبه این خواسته‌ها خواهد بود. اما حتی زمانی که دوران بهتری فرارسد و طبقه کارگر در تمامی جهان به آزادی خود دست یافته باشد، حتی در آن زمان هم بدون شک بشریت به یاد مبارزات و جانبازی‌های گذشته، به بزرگداشت روز اول ماه مه خواهد پرداخت.

\* این مقاله برای اولین بار در نشریه لهستانی زبان **اسپرواوا رابورت نیژا** (زمینه کار) در فوریه ۱۸۹۴ در پاریس منتشر شد. در این متن سعی کردیم با مقایسه ترجمه‌های فارسی از روی نسخه انگلیسی، سوئدی و چند ترجمه دیگر، آنرا مجدداً برای خوانندگان اوجا بازنویسی و منتشر کنیم.

۱) اعتصابات برای دستیابی به هشت ساعت کار در روز، حتی پس از اول ماه مه ۱۸۸۸، ادامه داشت. در برخی از شهرها - به خصوص در **شیکاگو** - نیروهای پلیس با کارگران درگیر شدند. روز چهارم ماه مه کارگران شیکاگو تظاهرات اعتراضی را سازمان دادند. در خلال این تظاهرات اخلاک‌گرا بمبی را به طرف یک گشتی پلیس پرتاب کردند. که در نتیجه با ایجاد درگیری ۷ پلیس و دستکم ۴ کارگر کشته شدند. اندکی بعد به بهانه پرتاب آن بمب، رهبران جنبش کارگری دستگیر و چهار تن از آنان به نام‌های **آگوست اسپایس** (August Spies)، **آدولف فیشر** (Adolph Fischer)، **آلبرت پارسون** (Albert Parsons) و **جورج اینگل** (George Engel) بدون هیچ مدرکی مبنی بر نقش آن‌ها در پرتاب بمب و ایجاد درگیری، به مرگ محکوم شده و در ۱۱ نوامبر ۱۸۸۷ به دار کشیده شدند. هفت سال پس از اعدام آن‌ها مقامات دولتی ایالات متحده آمریکا اعلام داشتند که در این زمینه خطایی حقوقی صورت گرفته است!